



Quranic Documents Struggle against Arrogance [Istikbar] in the Supreme Leader's Viewpoint*

Mir Aziz Amini^۱

Ali Aqa Safari^۲

Abstract

Anti-arrogance is one of the most important goals of the Islamic Revolution that the Supreme Leader in the field of thought and action has theorized arrogance and expressed its characteristics and presented solutions to deal with the arrogant ones. Given that the fight against oppression is in the human innate and is still one of the most challenging issues in the world today, it is necessary to analyze the Quranic documents of the view of the Supreme Leader. The authors have studied and documented the mentioned issue by referring to the works of the Leader and verses of the Quran and the sayings of the commentators and using a descriptive-analytical method. The findings indicate that the fight against arrogance is one of the axioms of the Holy Quran and many verses refer to it which show the importance of recognizing the enemy and the ways to deal with it. Numerous verses instruct Muslims to increase their capabilities, because the only way for nations to succeed is to fight against arrogance comprehensively, and the success of this struggle depends on the unity, cohesion and self-sufficiency of Muslims in the areas of cultural independence, scientific, economic, and military and patience. The Supreme Leader has stated in his various speeches and sayings over the years and in the declaration of the second step and has also shown a practical model of fighting against arrogance.

Keywords: Quran, The Supreme Leader, Documentation, Confrontation, Arrogance, The Declaration of the Second Step of the Revolution.

*. Date of receiving: ۱۹, December, ۲۰۲۰, Date of approval: ۱۱, October, ۲۰۲۱.

۱. PhD Candidate in Jurisprudence and Law (Orientation in Criminal and Criminology) Al-Mustafa International University, Higher Educational Complex of Jurisprudence, (Corresponding Author): (mamini۲۷۹۳@gmail.com)

۲. Assistant Professor Al-Mustafa International University (a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com)



مستندسازی قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار*

میر عزیز امینی^۱ - علی آقا صفری^۲

چکیده

استکبارستیزی یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی است که مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در حوزه نظر و عمل به تئوریزه کردن استکبار و بیان شاخصه‌های آن پرداخته و راهکارهایی را جهت مقابله با مستکبران ارائه نموده‌اند. با توجه به اینکه مقابله با ظلم، در نهاد انسان‌ها بوده و امروزه نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل چالش برانگیز جهان مطرح است، ضروری است که مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری (دامت برکاته) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نگارندگان با مراجعه به آثار رهبری و آیات قرآن و اقوال مفسران و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و مستندسازی مسئله یادشده پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مبارزه با استکبار از مسلمات قرآن کریم بوده و آیات زیادی به آن اشاره دارند که اهمیت شناخت دشمن و راه‌های مقابله با آن را نشان می‌دهد. در آیات متعدد به مسلمانان دستور می‌دهد که بر توانمندی‌های خویش بیفزایند، چون تنها راه موفقیت ملت‌ها، مبارزه همه‌جانبه با استکبار است و موفقیت این مبارزه منوط به اتحاد و انسجام و خودکفایی مسلمانان در حوزه‌های استقلال فرهنگی، بنیان‌های علمی، اقتصادی، نظامی و صبر و استقامت است که مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در بیانات و سخنرانی‌های مختلف خود طی سالیان متمادی و در بیانیه‌ی گام دوم بیان کرده و الگویی عملی از مبارزه با استکبار را نیز به نمایش گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، مقام معظم رهبری، مستندسازی، مقابله، استکبار، بیانیه گام دوم انقلاب.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹.

۱ - دانش‌پژوه دکتری فقه و حقوق (گرایش جزا و جرم‌شناسی) جامعه المصطفی العالمية (نویسنده مسئول)
(mamini2793@gmail.com)

۲ - استادیار جامعه المصطفی العالمية (a.a.safari1364@gmail.com)

مقدمه

از شعارهای مهم انقلاب اسلامی ایران که تحت رهبری و زعامت فقیه مجاهد و عارف واصل امام خمینی (ره) به پیروزی رسید، مقابله با استکبار و دفاع از مظلومان بوده و هست، چنانچه روز سیزدهم آبان، سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام، روز مبارزه با استکبار نامیده شد و در تقویم جمهوری اسلام درج گردید. و نیز مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و حمایت از مستضعفین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل (۱۵۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

بنیان‌گذار نظام اسلامی ایران، آمریکا را شیطان بزرگ خواند و فرمود: «سایر اقشار ملت‌ها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی، اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین بپا خیزند؛ بلکه مستضعفین بپا خیزند. وعده‌الهی که مستضعفین را شامل است، و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آن‌ها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصب‌اند، مستکبرین باید از میدان خارج بشوند. ما مستکبرین ایران را از صحنه بیرون کردیم، و به‌جای آن مستضعفین نشستند» (امام خمینی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، ۱۳۹۲: ۴۶).

از نگاه مقام معظم رهبری مبارزه با استکبار تعطیل‌بردار نیست، وی مبارزه با استکبار از مبانی انقلاب اسلامی دانسته و معتقدند که دست کشیدن از مبارزه با استکبار، تبعیت نکردن از قرآن است، «مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. ... این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است؛ یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان، ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴).

بنابراین مبارزه با استکبار که از اصول اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و خلف صالح او، مقام معظم رهبری همواره بر آن تأکید کرده، ریشه در آموزه‌های قرآن، سنت پیامبر (ص) و سیره‌ای پیشوایان معصومین (ع) دارد. در قرآن کریم ستم‌پذیری و زیر بار ظلم رفتن و ظلم کردن و سلطه‌گری نفی شده است (بقره/۲۷۹؛ هود/۱۱۳) علاوه بر آن، قرآن دستور داده است تا مسلمانان به یاری مظلومان بشتابند «وَمَا

لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا» (نساء/ ۷۵). در این آیه مسلمانان مورد سرزنش قرار گرفتند که چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید؟ در حالی که مظلومان طلب نصرت و یاری داشتند. از این آیه به دست می‌آید که مسلمان نباید در تظلم خواهی مظلوم بی تفاوت باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمُظْلُومِ عَوْنًا» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۴۷).

با توجه به مطالب فوق، ضروری است که مستندات قرآنی بیانات مقام معظم رهبری که از ابتدای انقلاب تاکنون درباره مقابله با استکبار و مستکبران و ظالمان عالم بیان کرده است مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این مقاله، با مراجعه به آثار مقام معظم رهبری و آیات کلام وحی و اقوال مفسران و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و مستندسازی مسئله یادشده پرداخته است. از آنجای که مبارزه با استکبار از مسلمات قرآن کریم بوده و در بیش از هزار و پانصد آیه به آن اشاره گردیده است اهمیت شناخت دشمن و راه‌های مقابله با آن را نشان می‌دهد.

پیشینه

بر پایه جستارهای انجام شده مشخص شد که مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در مقابله با استکبار بررسی نشده و می‌توان اذعان کرد که مسئله یاد شده فاقد پیشینه خاص است؛ اما با این وجود می‌توان برخی از منابع تدوین شده را به عنوان پیشینه عام مسئله فهرست وار معرفی کرد. اهم منابع مرتبط که می‌توان از داده‌های آنها در این اثر نیز بهره جست عبارتند از: کتابی تحت عنوان دشمن‌شناسی در اندیشه رهبر انقلاب نوشته نجف علی غلام و نیز کتاب دیگری با همین عنوان نوشته پیمان ملا زاده فقط سخنان رهبر انقلاب در موضوع دشمن را بیان و موضوع بندی کرده است و نیز دو کتاب دیگر با موضوع دشمن‌شناسی، شناخت دشمن و روش مقابله با آن از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، با گردآوری سید امیر پور فاضلی و کتاب استضعاف و استکبار در قرآن نوشته علی محمد دستغیب، به بررسی مبانی قرآنی استکبار پرداخته است و کتاب استکبار جهانی نوشته جواد منصوری و مقاله با عنوان استکبار و شیوه‌های مبارزه با آن در قرآن توسط سید صمد موسوی که در مجله مبلغان آبان و آذری ۱۳۸۸ شماره ۱۰۹ به چاپ رسیده است مقاله دیگری با عنوان راه‌های مبارزه با استکبار و شروط آن از منظر قرآن، توسط آقای علی اصغر تجری نوشته و در سال (۱۳۷۹) منتشر شده است موضوع آنها با مقاله حاضر تفاوت دارد؛ زیرا در کتب و مقاله‌های

یاد شده اگرچه به بیان دیدگاه رهبر انقلاب پرداخته شده است، اما مستندات قرآنی آن را ذکر نکرده‌اند. در حالی که در این پژوهش مهم‌ترین راه‌های مقابله با استکبار از دیدگاه رهبر انقلاب در مورد مقابله با استکبار تبیین و با آیات قرآن مستندسازی شده است.

مفهوم شناسی

در طلایه بحث لازم است تصویر روشنی از واژگان کلیدی و پرکاربرد و مفاهیم کلی تحقیق ارائه شود.

۱- مقابله

اصل کلمه مقابله از «قَبِلَ» به معنای نزد و پیشگاه ذکر شده و وقتی گفته می‌شود فلان چیز از قبل فلان است، معنایش این می‌باشد که از نزد، پیشگاه و جانب آن است. و کلمه «قَبِلَ» برای قدرت و نیروی مقابله و مجازات استعاره گرفته شده است. پس گفته می‌شود: «لَا قَبْلَ لِي بَكَذَا» ممکن نیست من با او مقابله کنم، یعنی من توان و قدرت مقابله با آن را ندارم. «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا» (نمل/۳۷).

حضرت سلیمان (ع) فرمود: با لشکریانی به سراغ سپاه بلقیس می‌رویم که طاقت و توان مقابله و دفاع در برابر ما را ندارند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۱/۵۴۳). «قبل» که مقابله از آن گرفته شده است، در این آیه به معنای قدرت و توان مقابله آمده است. ابن اثیر در نهایت «قبل» را به معنای روبه‌رو و عیان و آشکار دانسته و می‌گوید: «و فی روایة «ان الله كلمة قبلأ، أی عیان و مقابله لا من وراء حجاب».

خداوند با آشکار، رودرو و بدون پرده سخن گفت (ابن اثیر، النهاية، ۱۳۱۴/۸/۴).

در اصطلاح برای مقابله تعریفی ذکر نشده است، ولی آنچه می‌توان گفت این است که معنای اصطلاحی مقابله بامعنای لغوی آن چندان تفاوت ندارد، بلکه به معنای رو در روی کسی ایستادن و پاسخ او را دادن است. مقابله از نگاه رهبری، مبارزه و ستیز با استکبار است، چنانچه ایشان می‌فرماید: «مبارزه با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛... استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبار یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود، این معنای استکبارستیزی است (۱۳۹۲/۸/۱۲). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان). و مراد از مقابله با استکبار، در این نوشتار، مبارزه و مقاومت در مقابل استکبار و طغیان، طغیانگران و نپذیرفتن سلطه‌ی سلطه‌گران است.

۲- استکبار

استکبار از ریشه (ک، ب، ر) گرفته شده است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۰/۱۹/۲۰) و برخی لغویان آن را به معنای خودخواهی، خود برتری بینی و برتری جویی و نیز به مفهوم برتری خواهی و استکبار معنا کرده اند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۳/۱۲). امتناع از پذیرش حق از روی عناد، همچنین تکبر و خودبزرگ بینی دروغین است. جوهری کبر را بزرگ شده و کبر را عظمت و کبریا معنا کرده است (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷/۲/۱۴۰۷-۸۰۱/۸۰۲). الازهری می گوید: استکبار عبارت از خودداری از پذیرش حق از روی دشمنی و تکبر است» (الازهری، تهذیب اللغة، بی تا، ۱۲۱/۱۰).

در اطبیب البیان آمده است «تکبر و کبر در معنی متفاوت است کبر صفت نفسانیه است و ممکن است در نفس این صفت خبیثه را داشته باشد لکن اظهار نکند، و تکبر این است که آثار کبر را ظاهر کنند و عقوبت آن اشد است بلکه مورث بسیاری از معاصی می شود مثل ظلم و تعدی و طغیان و سرکشی و نحو اینها، و استکبار این است که بزرگی را به خود ببندد» (طبیب، اطبیب البیان، ۱۳۷۸/۵/۳۱۸). شیخ طوسی استکبار را به معنای طلب کردن بزرگی بیش از اندازه می داند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا، ۴/۴۵۱). در المیزان آمده است: استکبار و تکبر انسان به این معنا است که خود را بزرگ شمرده و در موضعی قرار دهد که شایستگی و لیاقت آن را ندارد و این از رذایل اخلاقی محسوب می شود. لازم به ذکر است که کلمه تکبر هم در مورد خدا استعمال می شود و هم در مورد خلق؛ اما کلمه ای استکبار در مورد خدا قابل استعمال نیست؛ زیرا استکبار به معنای طلب بزرگی است و این درباره خداوند متعال بی معنا است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ ق، ۱۲/۲۶۶).

۳- استکبار از نظر مقام معظم رهبری

رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی در پاسخ به این پرسش که استکبار چیست؟ می فرماید: استکبار ریشه قرآنی داشته و در کلام وحی به کار رفته است. بر اساس آیات قرآن کریم، آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی کسانی که در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر برای حفظ منافع خود مداخله می کنند و خود را آزاد تلقی نموده و حق تحمیل برای خود قائل هستند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲).

آنچه از بیانات گذشته می شود نتیجه گرفت، این است که استکبار عبارت است از اظهار بزرگی

کردن و ابراز کردن چیزی که از او نیست و برای او جایز نیست، تجاوزگری و طغیان نمودن در برابر حق و ضعیف شمردن دیگران، خودبزرگ بینی و نشناختن حد خود در مقابل خداوند و مردم و به استضعاف کشیدن آن‌ها.

مستندات قرآنی مهم‌ترین راهکارهای مقابله با استکبار

استکبار همواره به دنبال آن بوده و هست که بر کشورها و ملت‌های اسلامی تسلط یافته و با زیر سلطه قرار دادن آن‌ها، منابع و ذخایر خدادادی این کشورها را به یغما ببرد. بنابراین اگر ملت و یا کشوری، مانند جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفت که دیگر زیر سلطه نباشد، استکبار به فکر توطئه می‌افتد تا اراده‌ی آن ملت و حکومت را در هم شکند، که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، استکبار برای این منظور و جهت درهم شکستن اراده‌ی ملت مسلمان ایران، دسیسه‌ها و توطئه‌های پیچیده‌ای را با شیوه‌های مختلف به کار بست. از جمله دسیسه‌های استکبار اختلاف افکنی بین مردم و بین مذاهب اسلامی است. امام خمینی در این مورد می‌فرماید: «در انحرافات زیادی که دسته‌ای قوی دشمنان اسلام دست در آن داشتند، همین اختلافاتی است که بین طوایف مختلف هست، اختلاف سنی و شیعه. برخی از نوکران باز کتاب تفرقه می‌نویسند» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۵/۶/۲: ۳۴/۲۰).

از توطئه‌های استکبار علیه ملت‌ها مسلمان و مستقل، تهاجم فرهنگی است که از طریق ایجاد ماهواره‌ها و رخنه کردن در مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام مانند سند (۲۰ و ۳۰) صورت می‌گیرد. از جمله توطئه‌های استکبار عقب‌نگه داشتن جهان اسلام از نظر علمی است که با تحریم برخی دانشمندان و یا ترور آن‌ها و نیز تحریم کشور از ورود امکانات اولیه که در پیشرفت و دستیابی به علم و تکنولوژی به آن نیاز است، انجام می‌دهد. همچنان استکبار می‌خواهد ملت‌ها را به خود از نظر اقتصادی و نظامی وابسته نگهدارد؛ و یا از طریق تظاهر به دوستی با ملت‌های مسلمان، سیطره‌ی خویش را بر آنان حفظ کند.

۱- دشمن شناسی

از ویژگی‌های انقلاب اسلامی، استکبارستیزی و مقابله با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است و همین ویژگی سبب شده است که استکبار جهانی عزمش را برای مقابله به آن صدچندان نموده، طرح‌های جدید و نقشه‌های متنوع بکشد. از جمله این نقشه‌ها و شگردها، تظاهر به دوستی با ملت ایران و ملت‌های مسلمان و مخالفت با نظام اسلامی است.

رهبر انقلاب بی‌وقفه بر شناخت دشمن و شگردهایش تأکید دارند و به مسئولین، مردم ایران و ملت‌های مسلمان و منطقه و نخبگان جهان اسلام گوشزد می‌کنند که باید از شناخت دشمن و شگردهای آن غافل نباشند. چنانچه ایشان می‌فرمایند: «می‌خواهم به شما و به هرکسی که این حرف را خواهد شنفت بگویم: دشمن را بشناسید، دشمن را بشناسید. یکی از خطراتی که هر ملتی را تهدید می‌کند این است که دشمن خودش را نشناسد، دشمن خودش را دشمن نداند؛ یا دوست بداند یا بی‌طرف بداند؛ این خطر خیلی بزرگی است. این خواب‌رفتگی است. هم دشمن را بشناسید، هم روش‌های دشمنی‌اش را بشناسید؛ ببینید چه جوری دشمنی می‌کند. دچار غفلت نشویم، اگر غفلت کردیم، غارت خواهیم شد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۶/۷/۲۶).

تأکیدات رهبر حکایت از آن دارد که ایشان نسبت به شناخت دشمن حساسیت خاص و ویژه به خرج می‌دهند و خطرات غفلت از دشمنی دشمن و شگردهای آن و دشمن را به‌جای دوست پنداشتن، خطر بزرگی برای جهان اسلام و موجب غارت آن‌ها می‌دانند. اگر جامعه در تشخیص دوست از دشمن دچار خطا شود، چنانچه امروز سران برخی از کشورهای اسلامی و عربی، نظام مقدس جمهوری اسلامی را دشمن و رژیم غاصب صهیونیستی را دوست خود می‌دانند که این خسارات جبران‌ناپذیری را برای جهان اسلام و به ویژه ملت مظلوم و ستمدیده‌ای فلسطین به بار خواهد آورد. «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده/ ۸۲).

پس در قدم اول باید دشمن را شناخت. دوم راه و روش دشمنی دشمن را تشخیص داد، چون دشمن استکباری برای استیلا بر مقدرات مردم و جامعه‌ی اسلامی از روش‌های مختلف و پیچیده‌ای بهره می‌گیرد. همان‌طور که در بیانات رهبری هم آمده بود، مانند شعار دفاع از دموکراسی، دفاع از حقوق بشر، حمایت از حقوق زنان، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و صدها شعار زیبایی که هدف از مطرح کردن آن‌ها، فقط حفظ سیطره استکبار بر منافع مادی و معنوی ملت‌ها است.

رهبر انقلاب در مورد اهمیت شناخت دشمنی، دشمن می‌فرماید: «ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده‌تر می‌کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزایند و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر لباسی که هست، شناسایی کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار در اجتماع بزرگ نیروی مقاومت بسیج مردمی به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵).

همان‌گونه که در این بیانات آمده است، دشمن برای دشمنی از روش‌های پیچیده‌ای استفاده می‌کند

که برای مقابله با آن باید آن روش‌ها را شناخت و خود را برای مقابله با آن آماده نمود. در واقع نباید در دشمنی، دشمن تردید کرد. که مبانی و مستند، این سخن رهبر انقلاب آیات قرآن کریم است. در اهمیت دشمن‌شناسی همین بس که بیش از هزار و پانصد آیه در مورد دشمن‌شناسی آمده است و از این تعداد آیه، کمتر از صد آیه درباره شیطان است که نشان‌دهنده‌ی توجه قرآن به مسئله‌ی دشمن‌شناسی هست. قرآن کریم می‌فرماید «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر/۶).

آن بخش از سخنان رهبری که فرمود: باید دشمن را دشمن دانست، برگرفته از این آیه‌ی قرآن است که مسلماً شیطان دشمن شماست، او را دشمن خود بدانید، یعنی شیطان را دوست و یا بی‌طرف ندانید. اگر آمریکا و رژیم صهیونیستی را شما برادر هم خطاب کنید، آن‌ها با شما برادر نیستند؛ بلکه دشمن شما هستند. دلالت این آیه بر این بخش از سخنان رهبر انقلاب روشن و تمام است. سید قطب در تفسیر این آیه می‌گوید: «به شیطان اعتماد نکنید و دشمن را ناصح و خیرخواه خود ندانید و از حرکات او پیروی نکنید، چون دشمن از گام‌های دشمن پیروی نمی‌کند اگر عاقل باشد؛ زیرا دشمن شما را به خیر دعوت نمی‌کند و شما را رستگار نمی‌سازد» (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۵/۲۹۲۶).

خداوند متعال می‌فرماید: «کسی را که با من و شما دشمنی می‌کند، دوست نپندارید» (ممتحنه/۱). این آیه علاوه بر دشمن دانستن دشمن، معیار شناخت دشمن را هم بیان می‌کند و آن معیار دشمن بودن با خدا است. نمی‌شود مسلمان و در سبیل قرآن بود و با استکبار دوست شد. آیا استکبار و اسلام ذاتاً باهم سازگار هستند، آیا ایمان به خدا و پیامبر (ص) با دوستی با رژیم غاصب صهیونیستی سازگاری دارد؟ خداوند می‌فرماید: کسی که با دشمن دوستی کند، در گمراهی آشکار است. این یک قانون کلی در سیاست خارجی اسلام است که نباید با دشمنان خدا و استکبار جهانی دوستی برقرار کرد. در آیه دوم همین سوره تأکید می‌کند که اگر هم شما دست دوستی به سوی آن‌ها دراز کنید و آن‌ها را دوست خود قرار دهید، آنگاه بر شما مسلط شوند، دشمن شما خواهند بود و دست‌ها و دهانشان را به بدی به سوی شما می‌کشایند و آرزوی آن‌ها کفر شما است (ممتحنه/۲).

یکی دیگر از صریح‌ترین آیات قرآن در زمینه‌ی دشمن‌شناسی آیه ۱۱۸ سوره آل عمران است که به مسلمانان هشدار می‌دهد که غیر مسلمان را محرم اسرار خود قرار ندهید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ».

این آیه و برای آن دو دلیل ذکر می‌کند اول اینکه از هیچ‌گونه بدی و تباهی در حق شما کوتاهی نمی‌کنند. پس طرح دوستی آن‌ها بر خیر و صلاح شما نیست بلکه برای ضربه زدن به شما است. دوم

آن‌ها می‌خواهند که شما در رنج و زحمت باشید. پس استکبار به دنبال رفاه و آسایش شما نیست. و این را گاه بر زبان می‌آورند اما آنچه در قلب و نیت دارند به مراتب بیشتر است از آنچه بر زبان می‌آورند. در آیه‌ی بعد می‌فرماید: «هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ» (آل عمران/ ۱۱۹).

اینکه رهبر انقلاب اسلامی همیشه بحث دشمن‌شناسی را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: باید دشمن و دشمنی آن را شناخت، برگرفته از این آیات است و می‌شود به ده‌ها آیه‌ی دیگر سخنان ایشان را مستندسازی نمود ولی این مقاله بیشتر از این گنجایش ندارد.

۲- حفظ وحدت و یکپارچگی درونی

از برنامه‌های مستکبران و جهان‌خواران، برای گسترش سلطه و نفوذ خویش بر دیگر جوامع، ایجاد اختلاف و دودستگی در میان افراد آن جوامع هست که مردم را به نحله‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای، حزبی، گروهی و... تقسیم نمایند؛ تا بر آن‌ها فرمان‌روایی کنند، چون وحدت و یکپارچگی ملت‌ها مانع نفوذ آن‌ها است. استکبار از این ترفند برای شکست اراده‌ای ملت ایران اسلامی استفاده کرد است، تا بتواند اراده استقلال‌خواهی و استکبارستیزی را در این ملت درهم شکند اما وحدت این ملت مانع اجرایی منویات آن‌ها در ایران اسلامی شده است.

رهبر انقلاب می‌فرماید: «فشارهای دشمن، نقشه دشمن، تحریم اقتصادی، توطئه اقتصادی، جدا کردن مردم از نظام دشمنان ما این را صریحاً می‌گویند که می‌خواهیم فشار اقتصادی بیاوریم تا وضعیت مردم سخت بشود و مردم وادار به اعتراض بشوند در مقابل دولت و در مقابل نظام اسلامی» (بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی به مناسبت حلول سال نو، ۱۳۹۴/۱/۱).

بنابراین اگر امت اسلامی و هر ملت دیگری که بخواهد زندگی عزتمندان و شرافتمندانه داشته باشد و در مقابل استکبار سرخم نکند، باید به تقویت وحدت درونی و استحکام آن بپردازد. کسی که بیش از همه ضرورت وحدت را برای مقابله با استکبار درک کرده است و همیشه بر حفظ و تقویت وحدت و یکپارچگی مسلمانان و مستضعفان جهان برای رهای از سلطه استکبار جهانی تأکید دارند، رهبر انقلاب است. ایشان می‌فرمایند: «علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی «اتحاد» است؛ باید باهم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۱۰/۱۷).

رهبر فرزانه‌ای انقلاب در این سخنان وحدت را تنها دوا و راه علاج درد مسلمانان می‌داند، دشمنان

برای گستردن چتر سلطه‌ای خویش سعی می‌کنند که نفاق افکنی کنند. بنابراین از اندیشمندان و روشنفکران مسلمان می‌خواهند که برای ایجاد و تقویت وحدت در بین جوامع اسلامی همت گمارند و آن را دین نسل آینده جوامع اسلامی بر عهده‌ای روشنفکران و علمای مسلمان می‌دانند. و از آن‌ها می‌خواهند که منشور وحدت تهیه کنند. ایشان در بیان زیبایی می‌فرماید: «وحدت بین مسلمین، به صد دلیل واجب، و به صد دلیل ممکن است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳).

این بیان ایشان دلیل بر شناخت عمیق رهبر انقلاب نسبت به ریشه آسیب‌های جهان اسلام است که مه‌ترین آسیب دنیایی اسلام اختلاف و تفرقه هست. «وحدت تنها نسخه شفابخش برای علاج دردهای جهان اسلام هست» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۴/۲۷).

عزت جهان اسلام است از نظر رهبر انقلاب در وحدت آن است، زیرا مسلمانان وقتی عزتمند هستند که بتوانند به دستورات اسلام عمل کنند. و در صورتی می‌توانند به دستورات اسلام عمل کنند که باهم متحد باشند. ایشان می‌فرمایند: «امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵).

بعد از شناخت اهمیت وحدت در مقابله با استکبار از نظر رهبر انقلاب اسلامی، لازم است که به مستندهای قرآنی آن اشاره شود. قرآن مسلمانان را برادر خود می‌داند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰). آن طوری که در این آیه آمده است، مؤمنان برادر هم‌اند. پس دلیلی برای اختلاف وجود ندارد. اگر هم بین برادران اختلاف و درگیری پیش آمد، مسئولیت دیگر مؤمنان برقرار صلح بین مؤمنان است. «فأصلحو» امر است و خطاب به جامعه‌ی اسلامی، پس وظیفه‌ی مسلمانان است که اگر اختلافی در جهان اسلام پدیدار می‌شود، آن را رفع کنند. در پایان آیه دعوت به تقوی شده است. که بی‌تفاوت بودن در مورد آشتی بین مسلمانان، نشانه‌ی بی‌تقوایی است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «اگر ارتباط بین مؤمنین را منحصر کرد در ارتباط اخوت، برای این بود که مقدمه و زمینه‌چینی باشد برای تعلیلی که برای حکم صلح می‌آورد، و می‌فرماید: پس بین دو برادر خود اصلاح کنید و در نتیجه بفهماند این دو طایفه‌ای که شمشیر به روی

یکدیگر کشیدند، به خاطر وجود اخوت در بین آن دو، واجب است که صلح در پیشان برقرار گردد، و اصلاحگران هم به خاطر اینکه برادران آن دو طایفه هستند، واجب است صلح را در هر دو طایفه برقرار نموده، هر دو را از نعمت صلح برخوردار سازند» (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۸/۳۱۵).

قابل یادآوری است مراد از اختلاف، اختلاف فکری و علمی نیست. بلکه به قرینه آیات پیشین مراد جنگ و خونریزی است که خداوند به مسلمانان دستورت می دهد که از جنگ بین برادران دینی جلوگیری کنند. پس این آیه از مستندهای سخنان رهبر انقلاب در مورد لزوم وحدت بین مسلمانان است. «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳). خداوند دستور اعتصام به حبل الله را به طور دسته جمعی صادر کرده و از تفرقه بازداشته است، تا نقش و جایگاه وحدت و بروت آن، برای حفظ عزت و عظمت جامعه ای اسلامی در مقابله با استکبار را نشان دهد. برای اینکه اهمیت وحدت را برساند و ضرر و زیان اختلاف را به آن ها گوشزد کند حالت قبل از نعمت وحدت را که داشتند، به آن ها تذکر می دهد که قبل از ایجاد الفت چه وضعیتی داشتید اگر دوباره اختلاف کنید زیان قبل در انتظار شما است. «فَأَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳). با توجه به این طور نتیجه گرفته می شود که وحدت نعمت الهی است که محور آن باید دین باشد، اختلاف و تفرقه غافل شدن از برکات خدمات اسلام برای جامعه ای اسلامی و پرتگاه آتش است. علامه جوادی آملی می گوید: «خداوند سبحان امر به اعتصام را همراه با نهی از تفرقه یادآور شده است و این نهی درباره کیفیت اعتصام است نه اصل آن، بنابراین اگر یکایک مسلمانان به حبل خدا متعصم باشند اما باهم نباشند، در کیفیت تعصام دچار تفرقه اند و تفرقه در مسائل دین، پس از مشخص شدن حبل الله و آشنایی با آن مذموم و منهی است و منشأ اختلاف بعد از علم، عدم تاسی به کتاب خدا، بغی و ستم و حب دنیا و خودخواهی و خودبزرگ بینی است که این نیز نوعی ستم است» (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹: ۲۱۷/۱۵).

رهبر انقلاب با بهره گیری از آیه شریفه ۶۴ آل عمران فرمودند که یکی از راه های ایجاد وحدت محور قرار داند اصول و مشترکات است، دلالت این آیه بر محور قرار دادن مشترکات و وحدت بر مبنای آن ها، بسیار واضح و روشن است، چون این آیه به پیامبر اکرم (ص) دستور می دهند که اهل کتاب را برای وحدت حول محور مشترکات فراخوان.

از جمله آیاتی که مستند دیدگاه رهبر انقلاب در مورد ضرورت وحدت جهان اسلام برای مقابله با استکبار هست، آیه ی (۲۹ فتح) است. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

بینهم». دلالت آیه مبارکه بر وحدت مسلمانان در مقابله با استکبار واضح است، چون منطوق آیه این است که مسلمانان باید در برابر دشمن قاطعیت و صلابت داشته و در برابر یکدیگر مهربان و با رأفت باشند. در مقابل کفار سخت ایستادگی داشته باشند، قابل نفوذ نباشند مانند، سد مستحکمی که نفوذناپذیر است. اما در مقابل برادر مسلمان مهربان باشند تا وحدت ایجاد شود و اگر وحدت وجود نداشته باشد، در مقابل استکبار نفوذپذیر هستند.

بار دیگر خداوند مسلمانان را از اختلاف و نزاع بر حذر داشته است، چون اختلاف سبب سست شدن و تضعیف مسلمانان می شود که این زمینه شکست آنان در مقابل استکبار را فراهم می کند. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال / ۴۶). خداوند در ضمن آنکه مسلمانان را به اطاعت خدا و پیامبر فرمان می دهد، آن‌ها را از اختلاف و نزاع بر حذر می دارد. و دلیل بر حذر داشتن آن‌ها را از نزاع و اختلاف سست شدن و تضعیف مسلمانان می داند.

بنابراین اینکه رهبر انقلاب معتقدند که وحدت جهان اسلام برای مقابله با استکبار، لازم و ضروری است مبتنی بر آیات یاد شده و آیات مشابه می باشد.

۳- تقویت و حفظ و استقلال فرهنگی

راه دیگری که رهبر انقلاب برای مقابله به استکبار بیان داشته اند و بارها در سخنرانی‌ها و بیاناتشان آن را مورد توجه قرار داده اند تقویت و حفظ استقلال فرهنگی است؛ زیرا تا زمانی که مسلمانان به عقاید و فرهنگی دینی و اسلامی خویش اهتمام ورزند، استعمارگران، توان سلطه بر آن‌ها را ندارند، آنچه امروز استعمارگران برای جهانی کردن فرهنگ مبتذل و بی روح خود، تبلیغ می کنند، هدفی جز، رخنه کردن در فرهنگ اصیل اسلامی و الهی و سست نمودن باورهای دینی مردم مسلمان به ویژه نسل جوان مسلمان ندارند.

از مواردی که استعمارگران برای تضعیف فرهنگ و باورهای دینی مسلمانان از آن استفاده می کنند، تبلیغ مخالفت دین با پیشرفت و توسعه و معرفی اسلام به عنوان عامل عقب ماندگی جوامع اسلامی است، در حالی که فرهنگی اسلامی هم زمان به خواسته‌ها و نیازهای مادی و معنوی بشر توجه کرده است. و هیچ کدام نیازهای بشر را برای دیگری سرکوب ننموده است. چنانچه شهید مطهری در این زمینه می گوید: «تعلیمات اسلامی نشان می دهد که این مکتب مقدس الهی به ابعاد انسان، اعم از جسمی و روحی، مادی و معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی، توجه عمیق داشته است و نه تنها

جانب هیچ کدام را مهمل نگذاشته است بلکه عنایت خاص به پرورش همه‌ی این‌ها روی اصل معینی داشته است» (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۱: ۲۸۴/۲).

آنچه که دلیلی عقب ماندگی جوامع اسلامی می‌باشد، متکی نبودن مسلمانان به فرهنگ اسلامی است. با توجه به اهمیت فرهنگ در حفظ استقلال و مقابله با استکبار است که رهبر انقلاب بحث تهاجم فرهنگی و مقابله با آن را مطرح نمودند. ایشان فرمودند: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فرهنگ فساد و فحشاء سعی می‌کند جوانه‌ای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی و یک قتل عام و غارت فرهنگی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشوری، ۱۳۷۱/۴/۲۲).

عامل غلبه و پیروزی بر تهاجم فرهنگی غرب، تقویت و حفظ استقلال فرهنگی است. رهبر انقلاب بحث استقلال فرهنگی را از مهم‌ترین راه‌های مقابله با استکبار و تهاجم یا شیخون فرهنگی می‌دانند و در مورد اهمیت استقلال فرهنگی می‌فرمایند: «همه‌ی مردم کشور و مخصوصاً قشرهای بافرهنگ و برخوردار از سواد و علم و معرفت، بدانند که استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اқشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۹/۱۵).

چرا رهبر انقلاب معتقدند که استقلال یک ملت بدون استقلال فرهنگی معنا ندارد، چون فرهنگ شامل تمام ابعاد زندگی انسان، می‌شود، چنانچه علامه جعفری در معنای فرهنگ می‌گویند: «فرهنگ، عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات تکاملی باشد» (جعفری، فرهنگ پیرو و پیشرو، ۱۳۷۹: ۷) و نیز شیوه‌ی انتخاب شده برای کیفیت زندگی که باگذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده‌های روانی و رویدادهای نافذ در حیاط یک جامعه به وجود می‌آید (همان: ۲۳۳).

رهبر انقلاب در بیان معنای استقلال فرهنگی می‌گویند: «استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب بکنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

در بیان‌های گام دوم هم‌روی سبک زندگی توجه خاصی نمودند و خطاب به جوانان می‌فرمایند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد» (بیانه‌ی گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛ بند ۷).

بنابراین از منظر رهبر انقلاب، استقلال فرهنگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و ایشان در بحث استقلال فرهنگی روی سبک زندگی اسلامی و ایرانی تأکید دارند. ایشان در مورد پیروی از غرب می‌فرمایند: «تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه‌ی مقابل استقلال فرهنگی است» (بیانات مقام معظم رهبری در بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

بدیهی است که از منظر مقام معظم رهبری استقلال فرهنگی به معنای قطع روابط با جهان نیست، بلکه هدف قرار نگرفتن تحت سلطه‌ی فرهنگ استکباری است لذا است که می‌فرمایند: «بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند اما سلطه‌ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد». پس اگر حفظ و تقویت از استقلال فرهنگی یکی از راه‌های مبارزه با استکبار را مطرح نمودند، مقصود این است که جامعه اسلامی زیر سلطه فرهنگی استکبار قرار نگیرد، وابستگی فکری و فرهنگی را سرچشمه دیگر وابستگی‌ها معرفی می‌کند از این‌رو نخستین شعار و پیام همه‌ی پیامبران الهی از جمله شعار پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان محوری‌ترین شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» است؛ زیرا تا بشر از نظر فکری آزاد نباشد در امور دیگر هم آزاد نیست. «و يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/۱۵۷).

خداوند متعال در این آیه وظیفه‌ی پیامبر (ص) را آزادی بشر از غل و زنجیر می‌داند، مراد از غل و زنجیر هم‌وابستگی فکری و فرهنگی انسان‌ها است. قرآن فلسفه‌ی بعثت پیامبر اکرم (ص) را دعوت به توحید و یکتاپرستی و اجتناب از طاغوت می‌داند. «و لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶). چون یکتاپرستی وقتی معنا پیدا می‌کند که از طاغوت و مستکبران اجتناب شود. طاغوت اعم از بت‌ها، شیاطین و مستکبران است که امروز نماد همه‌ی آن‌ها آمریکا است. و این یعنی حفظ و تقویت استقلال فرهنگی که رهبر انقلاب در مبارزه با استکبار مطرح می‌کنند. پیامبران آمدند که مردم را ضمن خواندن آیات الهی برای آن‌ها، تزکیه نموده، علم و حکمت بیاموزند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» (جمعه/۲، بقره/۱۲۹ و ۱۵۱، آل عمران/۱۶۴). در این آیه‌ی هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) تعلیم و تربیت ذکر شده

است در واقع آنچه رهبر انقلاب بر آن تأکید می‌کنند تقویت و حفظ استقلال فرهنگی مضمون این آیه و چندین آیات دیگر قرآن است.

اینکه رهبر انقلاب تأکید بر استقلال فرهنگی دارند، ریشه در این آیات دارد. اینکه ایشان می‌فرمایند: استقلال فرهنگی مهم‌تر از بقیه است. دلیل آن این آیات است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْذُوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران/ ۱۴۹ و ۱۵۰). در این آیه می‌فرماید: که وابسته بودن به کافر موجب عقب گرد می‌شود که برگشت به عقب به زیان شماست. دلیلی بر اینکه شما وابسته به کافر شوید وجود ندارد، چون مولای شما خدا است و او بهترین باور است، اگر به این دلیل به کفار می‌پیوندید، شما را یاری کنند، این توهم است. استقلال فرهنگی آن قدر مهم است که خداوند، قبله مسلمانان را از بیت المقدس به مکه تغییر داد. «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (بقره/ ۱۴۴).

یهود پس از ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه این موضوع را دستاویز خود قرار داده بودند، و مرتباً مسلمانان را سرزنش می‌کردند: این‌ها استقلالی از خود ندارند. قبول قبله ما دلیل بر قبول مذهب ما است! و مانند این‌ها... این امور سبب شد که پیامبر (ص) در انتظار فرمان تغییر قبله باشد که از جانب خداوند وحی شد که چهره‌ات را به مسجدالحرام برگردان، چون همین یک مورد کافی بود که یهود مسلمانان را سرزنش کند و این یعنی استقلال فرهنگی مسلمانان. و چون قبله نماد جهت‌گیری در زندگی است و پیروی از قبله‌ی یک امت به معنای پیروی از آن‌ها محسوب می‌شود، در آیه‌ی بعد تأکید شده است که از قبله اهل کتاب پیروی نکنند.

قرآن کریم برای مسلمانان اجازه نمی‌دهد که تحت تأثیر فرهنگ استکبار و بیگانه باشند (توبه/ ۱۷- ۱۸). یکی از مواردی که از لحاظ فکری و فرهنگی اثرگذار هست، ساخت مکان‌های مذهبی و فرهنگی هست، برای همین خداوند به مشرکین اجازه ساخت مسجد نمی‌دهد، مشرکین درحالی‌که بر کفر خود اظهار می‌کنند، حق ندارند که مسجد بسازند و ساخت مسجد را حق مؤمنین می‌داند. آیا این غیر از این است که قرآن می‌خواهد استقلال فرهنگی مسلمانان حفظ شود؟ «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره/ ۱۲۰). لازم است که جوامع اسلامی همواره به آنچه در این آیه آمده است توجه داشته باشند تا در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و بداندیشی‌های فرهنگی بداندیشان، استقلال فرهنگی خویش را حفظ نموده و آن را تقویت کنند، چراکه استکبار به چیزی کمتر از تهی‌سازی فرهنگی مسلمین و پیروی از فرهنگ منحط خود، رضایت نخواهند داد.

بر پایه داده‌ها ذکر شده مشخص شد که بیانات مقام معظم رهبری ریشه قرآنی داشته و خداوند متعال نسبت به اهمیت و ره‌آوردهای هریک از عوامل و مؤلفه‌های یاد شده از جمله تقویت و حفظ استقلال فرهنگی و نقش آن در رشد و شکوفایی جوامع و سازمان‌های اسلامی تأکید نموده است.

۴- تقویت بنیه علمی

از جمله راه‌های مقابله با استکبار از نظر رهبر انقلاب، تقویت بنیه علمی است. ایشان بارها بر تقویت بنیه علمی تأکید کردند. چنانچه می‌فرمایند: «اقتصاد قوی و پیشروی در علم، راه تقویت کشور است. قوتی که برای کشور لازم است، چه جوری تأمین می‌شود؛ اولاً از راه یک اقتصاد قوی؛ همین اقتصاد مقاومتی که سیاست‌های آن ابلاغ شده است... یک‌راه دیگر، توسعه‌ی علم است؛ کاروان علم شتاب خود را از دست ندهد، در علم پیشروی کنیم، همه چیز به علم وابسته است» (۱۳۹۴/۶/۱۸).

چنانچه ملاحظه می‌شود که رهبر حکیم انقلاب اسلامی بر توسعه و شتاب پیشرفت علمی در راه تقویت ایران اسلامی تأکید نمودند و معتقدند که همچنان که اقتصادی قوی لازم هست، پیشرفت علمی نیز از لازمه تقویت کشور است.

از نظر ایشان انقلاب علمی سبب می‌شود که جامعه آقایی و سیادت داشته باشد. و علم موجب عزت است و اگر جامعه اسلامی سیادت و آقایی می‌خواهد، و اگر می‌خواهد نقش مرجعیت را داشته باشد، لازم است از نظر علمی قوی باشد، آن وقت می‌تواند با استکبار مقابله کند و به آن اجازه‌ی سیطره بر خود را ندهد.

رهبر انقلاب در این مورد می‌فرمایند: «ما جهش علمی را نباید بگذاریم متوقف بشود. کشور اگر به علم پردازد و علم را پیش ببرد، آقا خواهد شد، به معنای واقعی کلمه «أَلْعَلِمُ سُلْطَان» اگر قدرت می‌خواهیم، اگر عزت می‌خواهیم، اگر این را می‌خواهیم که ما مرجع مراجعات کشورها و دولت‌ها باشیم، نه اینکه آن‌ها مرجع مراجعات ما باشند، باید علم را تقویت کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۴).

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم خطاب به جوانان ایران اسلامی می‌فرماید: «علم و دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوست‌ساله فراهم کند و باوجود

تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم» (بیانیه‌ی گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

بنابراین می‌توان گفت که از نظر رهبر انقلاب، یکی از راه‌های قوی شدن جامعه، تقویت بنیه‌ی علمی است. در اهمیت علم از نظر اسلام همین بس که پیامبر (ص) می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۶۰: ۱/۱۷۷). دینی که آموزش علم را فرض می‌داند، چگونه برای تقویت آن برنامه نداشته باشد؟ یا می‌فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (همان). پیامبر اکرم (ص) می‌داند که در چنین کسی قرآن نمی‌آموزد بلکه مراد علمی است که برای رفع نیاز جامعه ضرورت دارد. و یا می‌فرماید: «مَنْ تَعَلَّمَ بَاباً مِّنَ الْعِلْمِ عَمَّنْ يَتَّقُ بِهِ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ يُصَلِّيَ أَلْفَ رَكْعَةٍ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۲ ق- ۱۳۷۰: ۲۷/ ۲۷). کسی بابتی از علم را نزد کسی که به آن اطمینان دارد فراگیرد، از هزار رکعت نماز برتر است. این جایگاه دانش از نظر اسلام است.

چنانچه در بحث حفظ و تقویت استقلال فرهنگی بیان شد که از جمله فلسفه‌ی بعثت پیامبر اکرم (ص) تعلیم دانش بود که در چند آیه‌ی قرآن به آن پرداخته شده است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (جمعه/ ۲).

در این آیه تعلیم کتاب از جمله فلسفه بعثت دانسته شده است، مسلماً باید تعلیم واجب باشد چنانچه در حدیث آمده است و الا معنا ندارد چیزی که تعلیم دادن آن واجب و ضروری نباشد فلسفه بعثت ذکر شود به هر صورت این هم اهمیت علم در اسلام را می‌رساند (زمر/ ۹).
در این آیه خداوند پرسشی را مطرح نموده است که آن را انکاری می‌گویند که آیا مقام دانشمند و بی‌سواد یکی هست؟ بعد می‌فرماید: خردمندان می‌دانند؛ یعنی خردمندان می‌دانند که این دو مساوی نیستند.

این نشان‌دهنده‌ی توجه اسلام به علم و دانش است. اما مراد از علم در آیه چیست؟ معلوم است که مراد تنها علم فقه و کلام نیست، علم تفسیر و حدیث تنها منظور نیست بلکه مراد عموم دانشی هست که در رفع نیاز جامعه کاربرد دارد و رهبری نیز در بیانیه گام دوم تأکید می‌کنند که «ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم» (بیانیه‌ی گام دوم، علم و دانش)، چون اساساً اسلام با

سلطه گری مخالف هست؛ بلکه علم در اسلام برای تأمین سعادت جامعه هست که اگر علم منهای ایمان باشد، می شود آن چیزی که امروز استکبار با آن رفتار می کند و برای غارت و چپاول سرمایه های مادی و معنوی و زور گوی بر دیگر جوامع از آن استفاده می کند اگر منافعشان ایجاب کند نسل بشر را از روی زمین بر می دارند. برای همین است که در این آیه قرآن علم و ایمان را در کنار هم ذکر می کند.

علاوه بر آیات ذکر شده و آیات مشابه از عموماً قرآن نیز می توان بر وجوب تقویت بنیه علمی در مقابله با استکبار استفاده نمود، مانند آیه: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/۶۰).

این آیه عام است و هر آن چیزی را که موجب استحکام جامعه اسلامی در برابر استکبار شود، شامل است. مرتضی مطهری در بیان معنای حدیث «طَلَبُ الْعِلْمِ، فَرِيضَةٌ» می گوید: «علم خودش هدف است مثل معرفت الله یا وسیله است؟ آنجا که علم هدف نیست بلکه وسیله است هر هدفی از هدف های اسلام که توقف به علم داشته باشد، علم آن هم واجب می شود. مثلاً در اسلام طبابت واجب است... با این آیه و می گوید: در مقابل دشمن حداکثر نیرو را باید داشته باشید این یکی واجب است، این واجبی است که در زمان ما روی پاشنه علم می چرخد، یعنی آن نیرویی که حداکثر نیرو باشد، در عصر ما جز با علم تهیه نمی شود قهراً علم آن واجب می شود. آیا تحصیلات اتم شناسی بر مسلمین واجب است؟ بله واجب است» (مطهری، خاتمیت، ۱۳۸۰: ۱۱۵-۱۱۸). پس از عموم این آیه می شود بر وجوب تقویت بنیه علمی جهان اسلام در مقابله با استکبار استدلال نمود.

از دیگر آیات که می توان بر ضرورت تقویت بنیه علمی جهان اسلام استدلال نمود آیه شریفه ۱۴۱ نساء است که می فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً». واژه سبیل در این آیه شریفه نکره در سیاق نفی هست و عمومیت دارد، هر راه را که سبب نفوذ و سلطه ای استکبار شود لازم است که مسدود گردد از آن جمله راه علم دانش است.

وقتی ما به آن ها نیاز داشتیم، چطور راه نفوذ سیطره ای آن ها بسته می شود؟ پس بر اساس آیه شریفه و آیه ۷۱ سوره نساء به دست می آید که مؤمنین باید همیشه در مقابل دشمن آماده باشند و حوزه آمادگی وسیع و گسترده است هم در عرصه علمی، هم اقتصادی و هم فرهنگی و هم سایر حوزه خلاصه آنکه در هیچ حوزه برای استکبار و دشمن اجازه داده نشود که بر مسلمانان مسلط شوند.

۵- خودکفایی اقتصادی

یکی دیگر از راه های که استکبار جهانی برای سیطره ای خود بر جهان و به استضعاف کشاندن دیگر

ملل و از جمله امت اسلامی، به دنبال آن است، وابسته نگه داشتن آن‌ها از لحاظ اقتصادی و نگهداری آن‌ها در فقر و تنگ‌دستی است.

برای همین رهبر انقلاب مسئله اقتصاد مقاومتی را مطرح نمودند و در بیانیه‌ای گام دوم انقلاب، استقلال اقتصادی را مورد تأکید قرار داده و فرموده‌اند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌پذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است» (بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

رهبر انقلاب در این بیانیه خطاب به ملت ایران اقتصادی قوی را عامل مهم عدم نفوذ و سلطه می‌دانند. قابل ذکر است که اسلام خواهان قطع روابط مسلمانان با دیگر جوامع نیست بلکه مخالف سلطه‌پذیری و سلطه‌گری است. بنابراین داشتن رابطه تجاری و اقتصادی تا زمانی که منجر به سلطه‌پذیری، سلطه‌گران نشود مانعی ندارد. و در فرمایشات رهبر انقلاب هم آمده است که «اینکه ما راجع به مسائل خارجی و سیاست خارجی و استکبار و نمی‌دانم از این حرف‌ها می‌گویم، تکرار می‌کنیم در حرف‌های عمومی، در حرف‌های خصوصی، این به خاطر این است. نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور، حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی، مخالفیم، نه، آن‌هایی که با بنده کارکردند می‌دانند. بنده هیچ مخالفت که ندارم بلکه از اول مشوق این جور ارتباطات بودم، الآن هم هستم. الآن هم مسئولین دولتی را دائماً تشویق می‌کنم به افزایش ارتباطات» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۵/۱/۱۱).

علامه جوادی آملی در این باره می‌گویند: «اسلام نه دین انزوا است تا جدا از جهان زندگی کند و نه سلطه‌پذیر است و نه سلطه‌گر. هم اصل انزوا را باطل می‌داند و هم سلطه‌گری را امضاء نمی‌کند و هم سلطه‌پذیری را ننگ می‌داند، معیار این روابط را قسط و عدل تنظیم می‌کند» (جوادی آملی، روابط بین‌الملل، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

پس اینکه رهبر انقلاب استقلال اقتصادی را مطرح می‌کنند، به معنای قطع داد و ستد نیست. اما رهبر حکیم و بصیر می‌دانند که استکبار به دنبال روزنه است تا سلطه‌ی خویش را بار دیگر برگرداند و نظام اسلامی را که بر مبنای شریعت اسلامی تأسیس گردیده است و بر اساس ده‌ها آیه‌ی قرآن و روایات معصومین زیر بار ظلم رفتن و سکوت در برابر ظالم را برنمی‌تابد. یکی از راه‌های سیطره استکبار و حفظ آن بر جوامع اسلامی، سلطه‌ی اقتصادی است.

رهبری معتقد هستند که اگر ملتی به دنبال استقلال و استادت در مقابل استکبار باشد، لازم است از نظر اقتصادی خودکفا باشد. و در بیان‌های گام دوم انقلاب اسلامی هم‌روی آن تکیه نمودند. آنجا که می‌فرمایند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌پذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد» (بیانه‌ی گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

همان‌طوری ملاحظه گردید، ایشان اقتصاد قوی را مانع نفوذ و سلطه‌ی سلطه‌جویان می‌دانند و اقتصادی ضعیف را سبب نفوذ و دخالت دشمنان. پس اگر ملت‌های مسلمان به دنبال استقلال و قطع نفوذ دیگران هستند، باید در اقتصاد خودکفا باشند. اینکه رهبر انقلاب اقتصادی مقاوم‌تری را مطرح نمودند دلیل آن دست یافتن به خودکفایی اقتصادی است. به گونه‌ی که استکبار نتواند به‌واسطه وابستگی اقتصادی به سلطه و نفوذ خویش ادامه دهد و یا از آن طریق ملت را برای وادار کردن به تسلیم، تحت فشار قرار دهد. چنانچه امروز آمریکا مانع فروش نفت می‌شود.

رهبر انقلاب سال‌ها است با استکبار به مقابله بر خواسته است و درد ملت‌های مستضعف را می‌داند، یکی از راه‌های علاج آن را خودکفایی اقتصادی می‌دانند که این دیدگاه ایشان مستند به آیات قرآن کریم است. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». از مستندهای قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در بحث خودکفایی جهت مبارزه با استکبار این آیه است.

کیفیت دلالت این آیه بر دیدگاه رهبر انقلاب بر خودکفایی اقتصادی برای مقابله با استکبار، ما موصوله عام هست. و مراد از قوه، قدرت است. معنای آیه این است که هرچه می‌توانید قدرت خود را در برابر دشمن بالا ببرید و مناط آن ترسیدن دشمن است که مانع طمع دشمن به سرزمین شما شود، پس هر چیزی که موجب افزایش اقتدار مسلمانان شود از جمله قدرت اقتصادی را شامل می‌شود و لازم است که جامعه برای مقابله با دشمن استکباری در آن زمینه خودکفا باشد؛ زیرا وابستگی اقتصادی، موجب وابستگی سیاسی نیز می‌شود و یکی از راه‌های که استکبار برای سلطه بر دیگران از آن استفاده می‌کند وابستگی اقتصادی است.

در تفسیر اطیب البیان آمده است اگرچه این آیه در موضوع جهاد با مشرکین در عهد رسول الله (ص) وارد شده است ولیکن به مناط قطعی شامل می‌شود جمیع مراتب تقویت را در جمیع طبقات مسلمین که باید آنچه قوه و قدرت دارند در حفظ دین و دفع دشمنان دین کوشش کنند (طیب، اطیب

البیان، ۱۳۷۸: ۶/ ۹۱۵۱). پس دلالت این آیه بر خودکفایی اقتصادی برای مقابله با استکبار تمام است. مرتضی مطهری در مورد اهمیت استقلال اقتصادی می‌گوید: «از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصادی سالم غیرقابل تأمین است. اسلام می‌خواهد که غیرمسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد» (مطهری، نظری به اقتصادی اسلامی، بی تا: ۱۸).

یکی از آیات قرآن کریم که می‌شود دیدگاه را رهبر انقلاب را به آن مستند نمود آیه شریفه «وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۱۳۹) است.

این آیه مؤمنین را بر دیگران برتر می‌داند. و پیش‌تر اشاره شد که نیازمندی عین اسارت است و وقتی مسلمانان از لحاظ اقتصادی نیازمندی استکبار باشند، چگونه می‌توانند بر او برتر باشند؟ پس عموم این آیه بر دیدگاه رهبر انقلاب دلالت می‌کند. همچنین قرآن کریم مسلمانان و مؤمنان را از اعتماد بر استکبار بر حذر داشته است و هشدار می‌دهد که نتیجه‌ی اعتماد بر ظالم آتش است، می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود/ ۱۱۳). پس از آیه مذکور برمی‌آید که نباید مسلمانان در هیچ موردی از جمله مسئله‌ی اقتصادی بر کفار تکیه نمایند که مفهوم آن خودکفایی مسلمانان در ابعاد مختلف زندگی از جمله خودکفایی اقتصادی است.

علامه جوادی آملی در ذیل آیه شریفه ۱۴۱ نساء می‌گوید: «بر اساس جمله مزبور و به لحاظ آن به عنوان خبر در مقام انشاء، انعقاد هرگونه پیمان، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی که سبب سلطه کافران بر مسلمانان گردد، نامشروع هست» (جوادی آملی، جلسه تفسیر، ۱۳۹۴: ۲۱/ ۱۷۵).

یکی از قواعد فقهی که در ابواب مختلف فقه اسلام به آن قاعده استناد می‌شود، قاعده نفی سبیل هست که برگرفته از همین آیه است مثلاً فقها در باب نکاح زن مسلمان با غیرمسلمان به قاعده نفی سبیل تمسک نموده‌اند، برای مثال در باب نکاح گفته شده است که زن مسلمان نمی‌تواند با کافر ازدواج کند؛ زیرا ازدواج، نوعی سلطه زوج بر زوجه است؛ آنجا که می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/ ۳۴). این آیه نیز سلطه کافر بر مسلمان را نفی کرده است (حلی، المهذب البارع، ۱۴۱۱ق، ۳/ ۲۹۹).

همچنین در باب فروش عبد به کافر گفته‌اند که جایز نیست، پس در فروش عبد مسلمان، مسلمان بودن خریدار شرط شده است (بحرانی، الحدائق الناظرة، بی تا: ۴۲۲/ ۱۸ - ۴۲۵).

بلکه اگر عبد در ملک کافر باشد و مسلمان شود از ملک کافر درمی‌آید، چنانچه صاحب ریاض

می‌گوید: «اگر عبدی که در ملک کافر است، اسلام بیاورد، باید از او خریداری شود؛ چون اسلام عبد مانع از استیلا کافر بر او می‌شود» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۱/۴۹۵).

بر پایه گزاره‌های وحیانی قرآن و اقوال مفسران مشخص شد که تأکید رهبری مبنی بر خودکفای اقتصادی ریشه قرآنی داشته و اینکه ایشان تأکید بر خودکفایی اقتصادی دارند به خاطر این بوده است که «خدای متعال هرگز اجازه نمی‌دهد کافر بر مسلمان تسلط پیدا کند، این مطلب در زمینه‌های فردی و اجتماعی مطرح شده و تا سطح بین‌المللی نیز قابل تعمیم است. از این رو، هر پیمان و قراردادی که دولت اسلامی در روابط خارجی منعقد می‌کند، باید بر اساس حفظ عزت و استقلال کشور اسلامی و مسلمانان و نفی سلطه کفار باشد؛ زیرا عزت برای خداوند و از آن اسلام و مسلمانان است» (مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۵).

۶- خودکفایی نظامی

یکی از ابزارهای استکبار که برای سلطه و گسترش نفوذ خویش به آن تکیه می‌کند، تجاوز نظامی است. و هر کشوری که بخواهد مستقل باشد و سلطه‌ای استکبار را نپذیرد، باید بتواند از خود دفاع کند و دفاع وقتی ممکن است آن کشور از لحاظ نظامی وابسته نباشد و خودش نیازمندی‌هایش را در عرصه‌ای نظامی بدون نیاز به دیگران تأمین کند.

رهبری انقلاب در این مورد می‌فرمایند: «حمله نظامی و جنگ یکی از ابزارهای متداول قدرت‌های استکباری برای گسترش نفوذ سلطه خود در سایر کشورهاست. هر کشوری که بخواهد تحت سلطه نباشد، برای حفظ استقلال و هویت باید توان مقابله با حملات دشمنان را داشته باشد و بتواند به بهترین شکل از خود دفاع کند» (مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۸/۷/۲۱).

از جمله آیاتی که مستند دیدگاه رهبر انقلاب در مورد خودکفایی نظامی هست، آیه‌ی ۶۰ سوره انفال است. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». چنانچه پیش‌تر هم اشاره شد که این آیه عمومیت دارد و تمام مواردی را که برای تقویت جامعه در مقابل استکبار به آن نیاز است، در بر می‌گیرد.

از روشن‌ترین مصادیق قدرت، قدرت نظامی است. اگر ملتی و کشوری می‌خواهد مصونیت داشته باشد، لازم است توانمندی‌هایی خویش را در بعد نظامی افزایش بدهد، اگر از لحاظ نظامی قدرتمند نباشد، مصونیت ندارد، این است که قرآن کریم می‌گوید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطٍ

الخَیْل».

دشمن از قدرت نظامی شما می‌هراسد و آن وقت استقلال شما تأمین و کشور شما مصون است. «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ». خود را بگونه‌ی آماده کنید که دشمن خدا و دشمن شما، و همه و هراس داشته باشند. این قدرت نظامی و خودکفایی نظامی است که دشمن می‌هراسد و توهم تجاوز به کشور و ملتی را از ذهنش دور می‌کند. پس رهبر انقلاب با توجه به این آیات خودکفایی نظامی را عامل بازنده در مقابل استکبار می‌دانند و این قوی‌ترین مستند دیدگاه ایشان است، چون در این آیه آمادگی همه‌جانبه و در ابعاد مختلف را از امت اسلامی، خواسته شده است که تمام مسیرهای نفوذ استکبار بسته شود.

۷- صبر و استقامت

مهم‌ترین علت پیروزی انبیاء الهی از جمله پیامبر اکرم (ص) و یاران او در میدان‌های کارزار، مانند جنگ: بدر، احد، خیبر و خندق، صبر و استقامت آن‌ها بوده است. وقتی پیامبر اسلام در مقابل کفار قریش قرار گرفت و آن‌ها از رسیدن به اهداف پلید و برنامه‌های کفر آلود خود، ناامید شدند، تصمیم گرفتند تا پیام‌آور الهی و یارانش را که اکثراً از جامعه فقیر و بردگان بودند ضربه بزنند. به همین خاطر، از هیچ‌گونه آزار و اذیت در حق آن حضرت و یارانش دریغ نکردند تا این‌که آیات متعددی درباره حالات رسول خدا (ص) هنگام استهزای کافران و فراخواندن آن حضرت به استقامت و بردباری نازل شد (ابن هشام، السیرة النبویة، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۶ - ۱۷).

چنانچه استکبار جهانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای شکستن اراده و عزم مردم در مقابله با استکبار از هیچ طرف‌اند و دسیسه‌ی دست‌بردار نبود و نیست. ولی این ملت با استقامت خود توانست راه خود را پیدا کند و به موفقیت‌های دست‌یابد که در سایه‌ی تسلیم و سازش به دست نمی‌آورد. برای همین رهبر انقلاب معتقد است که اگر ملتی بخواهد مانع رسیدن دشمن به اهداف نامشروع آن‌که سلطه‌گری و تحقیر ملت‌ها است، بشوید، باید استقامت کند.

چنانچه ایشان می‌فرمایند: «نکته‌ی بعدی این است که علاج این دشمنی هم یک چیز بیشتر نیست و آن «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ». ایستادگی است خداوند متعال به پیغمبرش در مقابل این مشکلات فرمود: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ». استقامت، ایستادن. البته ایستادگی سختی‌هایی هم دارد، نه اینکه کار آسانی است؛ لکن تسلیم شدن، سختی‌های بیشتری دارد؛ فرقی هم این است که شما در راه

استقامت و مقاومت هر سختی که متحمل بشوید، خدای متعال به شما اجر خواهد داد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان اجلاس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۸/۲۴).

پس از نظر ایشان یکی از راه‌های مقابله با استکبار صبر، استقامت و ایستادگی است که می‌شود این دیدگاه رهبر انقلاب را با آیات زیادی از قرآن کریم مستندسازی نمود. چنانچه ایشان به یک آیه استناد نمودند که به اختصار به چند مورد دیگری می‌شود اشاره کرد «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» (هود/۱۱۲).

در این آیه به پیامبر (ص) و کسانی که با وی هستند و توبه کردند، دستور استقامت داده شده و به دنبال امر به استقامت از طغیان بر حذر داشته شده است. این آیه از مهم‌ترین آیات در مورد استقامت است. یکی از مواردی که در این آیه لازم است به اشاره گردد جمله «کَمَا أُمِرْتُ» هست که چه معنا دارد؟ آنچه به طور کوتاه می‌شود گفت این است که در معنای جمله «کَمَا أُمِرْتُ»، دو احتمال وجود، اول اینکه مراد از امر، امری است که قبل از این آیه، به پیامبر اکرم (ص) دستور آن داده شده است. احتمال دوم این است که مراد از امر، امر به کیفیت استقامت است که از قبل برای پیامبر اکرم (ص) چگونه استقامت کردن بیان شده است باید همان‌طور استقامت داشته باشد.

برخی احتمال دوم را برگزیده‌اند. به هر صورت در این آیه از پیامبر اکرم (ص) خواسته شده است که استقامت کند. و این دستور شامل همه‌ی پیروان آن حضرت (ص) هم می‌شود. چنانچه آیت‌الله مکارم می‌گوید: اما این دستور تنها مربوط به تو نیست، هم تو باید استقامت کنی و هم تمام کسانی که از شرک به سوی ایمان بازگشته‌اند و قبول دعوت الله نموده‌اند. «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ». استقامتی خالی از افراط و تفریط، و زیاده و نقصان، استقامتی که در آن طغیان وجود نداشته باشد. «وَلَا تَطْغَوْا». چرا که خداوند از اعمال شما آگاه است و هیچ حرکت و سکون و سخن و برنامه‌ای بر او مخفی نمی‌ماند «إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۹/۲۵۷).

در ذیل این آیه یک روایت در مجمع‌البیان آمده است که دلیل بر طاقت فرسا بودن استقامت است، چنانچه رهبر انقلاب در اول بحث به آن روایت اشاره فرمودند و آن حدیث این است. «هیچ آیه‌ای شدید و مشکل‌تر از این آیه بر پیامبر (ص) نازل نشد و لذا هنگامی که اصحاب از آن حضرت پرسیدند چرا به این زودی موهای شما سفید شده و آثار پیری نمایان، گشته است، فرمود: مرا سوره هود و واقعه پیر کرد!» (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲/۵/۳۰۵).

از جمله آیات قرآن که راه پیروزی در مقابله با استکبار را استقامت می‌داند، آیه‌ی ۱۵ شوری است.

«فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ».

علامه جوادی آملی در تفسیر استقامت در سوره شوری می گوید: «مراد از استقامت آن است که پیروی هواء آنها نباشید، شبهات آن‌ها را پاسخ دهید» (جوادی آملی، جلسه تفسیر، ۱۳۹۴/۳/۹). در واقع معنای استقامت ایستادن بر اهداف خویش و تسلیم نشدن در مقابل خواسته‌ی دشمنان است. و این آیه نیز مانند دیگر آیات دلیل بر دیدگاه رهبر انقلاب بر مقابله با استکبار است که یکی از راه‌های مبارزه با آن را استقامت می‌دانند و به‌طور ممتد بر آن تأکید می‌کنند و در مقام عمل هم نشان دادند. البته آیات زیادی هستند که استقامت را عامل موفقیت و پیروزی در مقابله با استکبار می‌دانند، مانند، آیه‌ی (۴۰ حج، ۱۳ احقاق، ۷ محمد، ۴۲ طور، ۷ قصص و ۳۰ فصلت). بنابراین اگر رهبر انقلاب معتقدند که با استقامت می‌شود بر استکبار غلبه کرد، باور ایشان ریشه در این آیات دارد.

نتیجه

در این نوشتار به مستندسازی قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مقابله با استکبار پرداخته شده است که نتایج ذیل به دست آمد: اول اینکه مبارزه و مقابله با استکبار از مسلمات قرآن کریم و اسلام هست و اصل نه ظلم کند و نه زیر بار ظلم بروید از اصول خدشه‌ناپذیر اسلام و قرآن می‌باشد. قرآن سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را بر نمی‌تابد. دوم برای مقابله با استکبار، باید استکبار و شگردهای آن را شناخت که بیش از هزار و پانصد آیه در مورد شناخت دشمن و راه‌های مقابله با آن وجود دارد و دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی که یکی از راه‌های مقابله با استکبار را شناخت صحیح و دقیق دشمن می‌داند، ریشه در این آیات دارد. سوم از مهم‌ترین راه‌های مقابله با استکبار از منظر قرآن کریم وحدت و یکپارچگی جهان اسلام است و اختلاف را قرآن کریم زمینه‌ساز سلطه‌ای استکبار می‌داند. چهارم هر چیزی که فقدان آن زمینه‌ی سلطه استکبار را فراهم می‌کند از نگاه قرآن کریم فراهم نمودن آن، برای مقابله با استکبار لازم و ضروری است، مانند حفظ و تقویت استقلال فرهنگی، تقویت بنیه‌ی علمی، خودکفایی اقتصادی و نظامی.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، قم، ج ۴، چهارم، اسماعیلیان، ۱۳۱۴ ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، ج ۱۱-۱۲، سوم، دار الفکر- دارالصادر، ۱۴۱۴.
۴. ابن هشام، السیره النبویه، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، ج ۱، مکتبه محمد علی، ۱۳۸۳.
۵. الازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، ج ۱، دار احیا التراث بی تا.
۶. بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، قم، ج ۱۸، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۷. بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۲، ۸، ۱۳۹۲.
۸. بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۷/۱۰/۱۳۸۲.
۹. بیانات رهبر انقلاب در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، ۲۱/ ۷/ ۱۳۹۸.
۱۰. بیانات رهبر انقلاب، در دیدار شرکت کنندگان در همایش غزه فلسطین، مقاومت، انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۸.
۱۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۸/۲۴.
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان، ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۴.
۱۳. بیانات رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳.
۱۴. بیانات رهبری در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۶/۷/۲۶.
۱۵. بیانات رهبری، در حرم رضوی به مناسبت حلول سال نو. (۱۳۹۴/۱/۱).
۱۶. بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳.
۱۷. جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو و پیشرو، قم، اول، موسسه تدوین و نشر آثار علامه، ۱۳۷۹.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله جلسه تفسیر، ۱۳۹۴/۳/۹.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، ج ۱۵-۲۱، اول، اسراء، ۱۳۸۹.

۲۰. جوادى آملی، عبدالله، روابط بین الملل، قم، اول، اسرا، ۱۳۸۸.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن جماد، الصحاح، قاهره، ج ۲، چهارم، دار العلم للملایین ۱۴۰۷.
۲۲. حر عاملی، محمد، والسائل الشیعه، ق، ج ۲۷، دوم، آل البيت (ع) الاحیاء تراث، ۱۱۰۴.
۲۳. حلی، احمد، المهذب البارع، قم، ج ۳، جامعه المدرسین، ۱۴۱۱.
۲۴. خمینی روح الله، سیاست خارجی و روابط بین الملل، تهران، تنظیم داستانی بیرکی، علی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، اول، دارالعلم ۱۴۱۲.
۲۶. سید طیب، عبدالحسین، اطبیب البیان، فی تفسیر قرآن، تهران، ج ۵، دوم انتشارات اسلام ۱۳۷۸.
۲۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت- قاهره، ج ۵، هفدهم، دارالشروق، ۱۴۱۲.
۲۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ق.
۲۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ج ۴، دار الاحیاء تراث العربی، بی تا.
۳۰. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، قم، ج ۱، اول، آل البيت (ع)، ۱۴۰۴.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، ج ۱۲ و ۱۸، پنجم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه المدرسین، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طبرسی، فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ج ۵، سوم، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۳. طبرسی، فضل، اعلام الوری، تهران، سوم، آل البيت، ۱۳۹۰ق.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ج ۱، سوم، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۵. مصباح یزیدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، قم، دوازدهم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.
۳۶. مطهری، مرتضی، نظری به اقتصادی اسلامی، صدرا، بی تا.
۳۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم- تهران، ج ۲، دهم، صدرا، ۱۳۸۱.
۳۸. مطهری، مرتضی، خاتمیت، تهران و قم، چهارم، صدرا، ۱۳۸۰.
۳۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران- قم، ۲۴، چهارم صدرا، ۱۳۸۹.
۴۰. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، دهم صدرا، ۱۳۹۸.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ج ۴، اول، دار الکتب اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۲. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، دوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.

References

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
۲. Al-Azhari, Muhammad bin Ahmad, Tahdhib al-Lughah, Beirut. Dar Ihya al-Turath, n.d.
۳. Bahrani, Yousuf, Al-Hadaiq Al-Nazirah, Qom, Vol. ۱۸, Jamiah Mudarrisin, ۱۹۸۴.
۴. Hilli, Ahmad, Al-Mudhhab al-Bari, Qom, Vol. ۳, Jamiah Mudarrisin, ۱۴۱۱.
۵. Hurr Amili, Muhammad, Wasail al-Shiah, Vol. ۲۷, ۲nd Edition, Alul Bayt Revival of Heritage, ۱۴۰۴.
۶. Ibn Athir, Al-Nihahay fir Gharib al-Haith, Qom, Vol. ۴, ۴th Edition, Ismailian, ۱۳۱۴.
۷. Ibn Hisham, Al-Sirah al-Nabawiyah (The Prophetic Biography), Prepared by Muhammad Mohi al-Din, Egypt, Vol. ۱, Maktabah Muhammad Ali, ۱۳۸۳.
۸. Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram, Lisan al-Arab (The Language of the Arabs), Beirut, Vols. ۱۱-۱۲, ۳rd Edition, Dar al-Fikr - Dar al-Sader, ۱۴۱۴.
۹. Jafari, Muhammad Taq, The Follower Culture and Progressive Culture, Qom, Allama's Works Editing and Publishing Institute, ۲۰۰۰.
۱۰. Javadi Amoli, Abdullah, International Relationship, Qom, ۱st Edition, Esra, ۲۰۰۹.
۱۱. Javadi Amoli, Abdullah, The Exegesis of Tasmin, ۹/۳/۱۳۹۴ AH (Solar).
۱۲. Javadi Amoli, Abdullah, The Exegesis of Tasmin, Qom, Vol. ۱۵-۲۱, ۱st Edition, Esra, ۲۰۱۰.
۱۳. Jawhari, Ismail bin Hammad, Al-Sihah, Cairo, Vol. ۲, ۴th Edition, Dar El Ilm Lilmalayin, ۱۴۰۷.
۱۴. Khomeini Ruhollah, Foreign Policy and International Relationship, Tehran, Birki, Edited by Dastani, Ali, Imam Khomeini.s Works Editing and Publishing Institute, ۲۰۱۳.

۱۵. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar (The Oceans of Lights), Beirut, Vol. ۱, ۳rd Edition, Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۰۳.
۱۶. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis), Tehran, Volume ۴, ۱st Edition, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۹۵.
۱۷. Mesbah Yazidi, Muhammad Taqi, Cultural Invasion, Qom, ۱۲th Edition, Imam Khomeini Educational and Research Institute, ۲۰۱۵.
۱۸. Motahhari, Morteza, A Theory of Islamic Economics, Sadra, n.d.
۱۹. Motahhari, Morteza, A Theory of the Economic System of Islam, ۱۰th Edition, Sadra, ۲۰۱۹.
۲۰. Motahhari, Morteza, Collection of Works, Qom-Tehran, Volume ۲, ۱۰th Edition, Sadra, ۲۰۰۲.
۲۱. Motahhari, Morteza, Collection of Works, Tehran-Qom, ۲۴th Edition, Sadra, ۲۰۱۰.
۲۲. Motahhari, Morteza, Khatamiyyat (The End of Prophecy), Tehran and Qom, ۴th Edition, Sadra, ۲۰۰۱.
۲۳. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, Sahifah Noor, Tehran, ۲nd Edition, Imam Khomeini's Editing and Publishing Institute, ۲۰۰۰.
۲۴. Raghīb Isfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran (Glossary of Quranic Words), Beirut, ۱st Edition, Dar al-Ilm ۱۴۱۲.
۲۵. Seyyed Tayyeb, Abdolhossein, Atyab al-Bayan, fi Tafsir al-Quran, Tehran (The Best Expression in Quranic Exegesis), Vol. ۵, ۲nd Edition, Islam Publications, ۱۹۹۹.
۲۶. Seyyed Qutb, Fi Zilal al-Quran (On the Shade of Quran), Beirut-Cairo, Vol. ۵, ۱۷th Edition, Dar al-Shorouq, ۱۴۱۲.
۲۷. Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, Nahj al-Balaghah, Edited Subhi Salih, Hijrat, Qom: ۱۴۱۴ AH.
۲۸. Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir fl-Quran (The Clarification in Quranic Exegesis), Beirut, Vol. ۴, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
۲۹. Statement of the Leader of the Revolution in the Meeting of the Participants in the Gaza-Palestine Conference, Resistance, Islamic Revolution, ۱۲/۸/۲۰۰۹.

۳۰. Statements of the Leader of the Revolution in the Meeting of Students, ۱۲/۸/۱۳۹۲ AH (Solar).
۳۱. Statements of the Leader of the Revolution in the Meeting of the Officials of the Regime, ۱۰/۱۷/۱۳۸۲ AH (Solar).
۳۲. Statements of the Supreme Leader in Friday Prayer Sermons in Tehran, ۲/۲۳/۲۰۰۰.
۳۳. Statements of the Supreme Leader in the Meeting of Young Scientific Elites, ۷/۲۶/۱۳۹۶ AH (Solar).
۳۴. Statements of the Supreme Leader in the Razavi Shrine on the Occasion of the New Year, ۱/۱/۱۳۹۴ AH (Solar).
۳۵. Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the Meeting of the Officials of the System and the Guests of the Islamic Unity Conference, ۸/۲۴/۱۳۹۸ AH (Solar).
۳۶. Statements of the Supreme Leader of the Revolution among Students, the Holy Month of Ramadan, ۲۰۱۵.
۳۷. Statements of the Supreme Leader of the Revolution at the Graduation Ceremony of Imam Hussein (A.S) University Students, ۷/۲۱/۲۰۰۹.
۳۸. Statements of the Supreme Leader of the Revolution in the Meeting of Hajj Officials, ۱۳/۱۲/۱۳۷۶ AH (Solar).
۳۹. Tabarsi, Fadhl, A'lam al-Wara, Tehran, ۳rd Edition, Alul Bayt, ۱۳۹۰ AH.
۴۰. Tabarsi, Fazl, Majma 'al-Byyan fi Tafsir al-Quran (The Confluence of Expressions in Quranic Exegesis), Tehran, Vol. ۵, ۳rd Edition, Naser Khosrow, ۱۹۹۳.
۴۱. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran, Qom, Vols. ۱۲ and ۱۸, ۵th Edition, Islamic Publications Affiliated with the Society of Teachers, ۱۴۱۷ AH.
۴۲. Tabatabai, Seyyed Ali, Riyadh al-Masa'il, Qom, Vol. ۱, ۱st Edition, Alul Bayt (A.S), ۱۴۰۴.